

جایگاه عقل و تفکر در تعلیم و تربیت اسلامی

سحر بختیاری^۱

^۱ کارشناس ارشد، مهندسی خطوط راه آهن، دانشگاه علم و صنعت، ایران

نویسنده مسئول:

سحر بختیاری



چکیده

در حقیقت بهترین راهکار تربیتی اسلامی، توجه به فطرت پاک الهی است، چرا که فطرت آدمی نیز متأثر از آن می باشد. در طبیعت و سرشت انسان استعداد های بالقوه ای موجود است که کمال پذیر، یا زوال پذیرند. انسان با به کارگیری صحیح عقل خود و با تفکر واندیشه در عالم هستی می تواند از اعماق قلب خود دریابد که شکر و احترام به پروردگار و تسبیح او واجب است و این موضوع سبب ایجاد ایمان و اعمال صالح و اعتقادات صحیح می شود و آدمی را به هدف والای تربیت صحیح اسلامی سوق می دهد. از این رو، این توانایی های بالقوه انسان از آن جهت که کمال پذیرند موضوع تعلیم و تربیت می باشند. کار تعلیم و تربیت بالفعل نمودن این توانایی های بالقوه است؛ و تعلیم و تربیت صحیح باید متناسب با این توانایی های بالقوه انسان ها باشد تا بتواند استعداد های نهفته آنها را شکوفا سازد. از این نظر، شناخت توانایی ها و استعداد های بالقوه انسان، و کمال نهایی آنها، لازمه هر نوع تعلیم و تربیتی است، تا بتوان راه های تحقق یافتن این توانایی ها و شرایط لازم برای به فعلیت رساندن آنها را در نظر گرفت.

کلمات کلیدی: فلسفه، تعلیم، تربیت، انسان، بالقوه، بالفعل.

مقدمه

فلسفه، روش درست اندیشیدن، راه خردمندانه زیستن و کوشش برای شناختن هستی است. تربیت، آن دسته از فعالیت های اجتماعی و هدفمندی است که از سوی انسان های نسبتاً رشد یافته، به منظور رشد و اصلاح پایدار همه ی جنبه های فردی و جمعی افراد و طبیعتاً به اشکال مختلف در طول زندگی آنها انجام می شود. رشته فلسفه تعلیم و تربیت که دارای دو بعد فلسفی و آموزشی است، با این هدف که به حل مشکلات آموزشی و ترسیم نظام مطلوب تربیتی بپردازد، ابداع شده است. از آنجا که علوم مختلف نظری و عملی شکل گیری و پیشرفت خود را مرهون عقل می دانند، بنابراین در حوزه تعلیم و تربیت نیز مبنای بسیار مهمی برای حرکت و تکامل یاد می شود و به طور کلی می توان گفت ماهیت تعلیم و تربیت انسان همان عقلانیت اوست. دین مبین اسلام نیز یکی از روشهای مهم دستیابی به تربیت دینی را در گرو اندیشیدن و بهره بردن از قوه عقلی عنوان می نماید و در قرآن از عدم استفاده این نعمت الهی به بندگان خود در آیات قرآن بارها هشدار می دهد که " افلا تعقلون ، لعلکم تتفكرون، افلا یتذکرون، افلا یتدبرون ". بنابراین نیروی عقل با بکار گیری درست قدرت تفکرش در زمینه تعلیم و تربیت، انسان را به تربیت الهی و اسلامی هدایت می کند.

بخش اول : معنی لغوی عقل

واژه عقل از ((عقال)) است و عقال به زانوبند شتر گفته می شود و از این جهت عقل نامیده می شود که بر سرکشی غرایز و هوسها بند می نهد. از آنچه گفته شد می توان نتیجه گرفت که استفاده از آن به منظور دوری از افراط و تفریط در امور است. یعنی انسان به کمک این موهبت الهی چنان در زندگی گام بر خواهد داشت که نه بخاطر زیاده روی در نیکی ونه بد کاری دچار دردسر و گرفتاری نمی شود "لایستعان علی الدهر الا با لعقل (علی علیه السلام) جز با کمک عقل به مشکلات زندگی نمیتوان فایق آمد". حال وقتی از عقل بعنوان یک باز دارنده یاد میکنیم میتوانیم به این نتیجه برسیم که این جنبه حیات بشری تا چه اندازه در راستای تعلیم و تربیت صحیح اسلامی میتواند تاثیرگذار باشد بگونه ای که عدم استفاده از آن زاییده پلیدی و دور شدن از مسیر الهی و گرفتاری در گرداب حوادث است. " ویجعل الرجس علی الذین لا یعقلون خداوند پلیدی را بر آنهاپی که عقل خود را بکار نمی بندند قرار می دهد (یونس، آیه ۹۹) " البته از واژه عقل معانی و تعبیر دیگری از جمله تمییز بین خیر و شر و... نیز استفاده می شود که بدلیل اطاله کلام از ذکر آن خودداری می شود.

بخش دوم : معانی عقل در احادیث

برای دستیابی به معانی عقل در احادیث نخست مناسب است نگاهی به مقام و منزلت عقل در احادیث معصومین (ع) داشته باشیم .

شناختن مقام و منزلت عقل در احادیث کمک خواهد کرد با بینش وسیع تری به استکشاف مفهوم دینی عقل بپردازیم . در مورد مقام و منزلت عقل، احادیث فراوانی وجود دارد که به عنوان نمونه به برخی از آنها اشاره می شود:

- (۱) عقل محبوبترین مخلوق است که خداوند آن رافقط دربین دوستان خود تکامل می بخشد.
- (۲) عقل بهترین عامل برای عبادت خداوند است.
- (۳) عقل نماینده خداوند و پیام رسان حق و حقیقت است.
- (۴) پیامبران ، عاقلترین مردم زمان خویش هستند بعثت آنها مرهون کمال عقلی آنهاست.
- (۵) عقل حجت و راهنمای درونی و انبیاء و ائمه (ع) حجت و راهنمای بیرونی خدا هستند.
- (۶) عقل مخاطب امر ونهی الهی و مبنا و ملاک ثواب و عقاب خداوند است.
- (۷) دینداری و بر خورداری از دین سالم، مرهون عقل و تربیت عقل است.
- (۸) فلاح و رستگاری در گرو عقل ورزی است.
- (۹) با نیروی فهم و تفکر عقل، می توان بر مشکلات روزگار فائق آمد.

در روایات واژه عقل و مشتقات اسمی و فعلی آن فراوان استعمال شده است . بنا بر این لازم است اجمالاً با معانی عقل در احادیث آشنا شویم. بدین روی معانی و اصطلاحات مختلف عقل از دیدگاه محدث بزرگ مرحوم علامه مجلسی که به روایت اهل بیت (ع) مانوس وبا زبان احادیث آشنا بوده اند مرور می گردند :

(الف) مرحوم علامه مجلسی در بحارالانوار فرموده اند : عقل اصطلاحاً به چند معنا اطلاق می شود:

- (۱) نیروی ادراک خیر و شر و تمییز دادن بین آنها و توانائی شناختن علل و اسباب امور عقل به این معنا ، تکلیف و ثواب و عقاب است.

(۲) حالت و ملکه ای در نفس که دعوت به انتخاب خیر و نفع و پرهیز از شر و ضرر است به سبب تقویت همین حالت و ملکه انسان در مقابل خواسته ها و خواهش های شهوانی در وسوسه های شیطانی مقاومت می کند این حالت غیر از علم به خیر و شر است.

(۳) قوه ای که مردم در نظام امور زندگی به کار می گیرند اگر این نیرو موافق با قانون شرع و در آنچه شرع نیکو می شمارد به کار گرفته شود، عقل معاش نام دارد و در روایات از آن ستایش شده است. اگر این قوه، در امور باطل و حيله های فاسد به کار گرفته شود، تکراء و شیطنت نام دارد که در روایت نکوهش شده است.

(۴) نفس ناطقه انسانی است که باعث تشخیص و تمیز انسان از حیوان است.

مرحوم مجلسی پس از ذکر معانی عقل نتیجه گیری می کند، روایات باب عقل، ظاهر در معنای اول و دوم بلکه در معنای دوم اکثر و اظهر هستند. البته در بعضی روایات عقل بر علم نافی که باعث نجات و رستگاری و سعادت انسان می شود، نیز اطلاق می شود حاصل این که از نظر این محدث بزرگ عقل در روایات به سه معنا به کار رفته است:

(۱) نیروی درک خیر و شر و تمیز میان آنها و این ملاک تکلیف است.

(۲) ملکه ی درونی انسان که انسان را به گزینش خو بی ها و رها کردن بدی ها دعوت می کند.

(۳) علم و دانش نافع برای رستگاری و سعادت انسان

بخش سوم: ویژگی های عقل

• نخستین آفریده

این خصوصیت که در چند حدیث [۱] مورد توجه است، ممکن است اشاره به این نکته باشد که هویت واقعی انسان، چیزی جز عقل نیست؛ نکته ای که در روایات دیگر نیز بدان تصریح شده است [۲]. طبق این احادیث، اصل و اساس انسان در خلقت، عقل است و دیگر چیزها به تبع عقل برای او آفریده شده است.

• آفرینش از نور

اشاره به این است که کار اصلی عقل، روشنگری [۳]، واقع نمایی، آینده نگری و قراردادن انسان در مسیر عقاید، اخلاق و اعمال شایسته [۴] و در یک جمله، رساندن به کمال است.

(ج) حق گرایی محض

نیروی عقل، تسلیم محض حق است و اگر تنها باشد و با جهل آمیخته نگردد، از حق تبعیت می کند و چیزی جز حق را نمی پذیرد:

... فقال له: أدبر، فأدبر، ثم قال له: أقبل، فأقبل [۵].

[۱] ر. ک: حدیث ۹ و ۱۲ و ۲۷۲

[۲] ر. ک: ص ۵۱: «ارزش خرد»

[۳] ر. ک: ص ۳۱.

[۴] ر. ک: حدیث ۲۷۲

[۵] ر. ک: حدیث ۱۲

آخداوند [بدو [عقل] فرمود: «پشت کن»؛ او نیز پشت کرد. سپس فرمود: «روی آور». پس او روی آورد.

بخش چهارم: خصایص انسان عاقل

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند:

هیچ مخلوقی حق تعالی را مانند عقل عبادت نکرده و عقل هیچ شخصی کامل نمی گردد مگر آن که در آن ده خصلت باشد:

الف: به خیر او امید باشد.

ب: دیگران از شرش در امان باشند.

ج: خیر زیاد خود را کم شمرد.

د: خیر اندک دیگران را زیاد بداند.

ه: از رجوع حاجت مندان به او دلتنگ و ملول نشود.

و: در طول عمرش از تحصیل دانش کسل و بد حال نشود.

ز: نزد او احتیاج و نداشتن بهتر باشد از ثروت و دارایی.

ح: فروتنی پیش از او سر بلندی محبوب تر باشد.

ط: بهره او از دنیا همان خوراک او است .

ی: دهمین خصلت و آن چه خصلتی باشد؟ آن است که: کسی را نبیند مگر آن که پیش خود بگوید : او از من بهتر و پارساتر می‌باشد.

بخش پنجم : عقل وجنبه های مختلف تعلیم و تربیت اسلامی

- تعلیم و تربیت و عقل

برای رسیدن به جایگاه عقل در تعلیم و تربیت اسلام لازم است تسلط کافی به مقوله تعلیم و تربیت داشته باشیم. در این رابطه جان دیویی دانشمند آمریکایی اهداف تعلیم و تربیت را بصورت های ذیل عنوان می کند :

- تعلیم و تربیت به معنای آمادگی
- تعلیم و تربیت به عنوان آشکار کردن استعداد
- تعلیم و تربیت و تشکیل یا پرورش قوای ذهنی
- تعلیم و تربیت به عنوان تشکیل ذهن
- تعلیم و تربیت به عنوان تکرار و توجه به گذشته

اصولاً اگر نعمت عقل نباشد، انسان به فکر اندیشیدن و رسیدن به قله های کمال و انسانیت نخواهد رسید و اصولاً همانند موجودات دیگر اسیر غرایز دنیایی خواهد بود. البته لازم است در این رابطه با توجه به موضوع بحث ، ویژگیهای نظام تربیتی اسلام که دارای جنبه های الهی و هدایتی است از نظر دور نداشت . و من یعتصم بالله فقد هدی الی صراط مستقیم" هر کس که به خدا متوسل و متمسک شود، مطمئناً به راه راست که جوار قرب الهی است رهنمون خواهد شد. (آیه ۱۰۱ سوره آل عمران)"

- عقل و دین

تجزیه و تحلیل دین در حقیقت، در گرو اندیشیدن و باروری عقل است. جدایی عقل از دین غیرممکن است . " رسول اکرم (ص) می فرماید : انما یدرک الخیر کله بالعقل و لا دین لمن لا عقل له (امر خیر بوسیله عقل دریافت می شود و کسی که فاقد عقل است فاقد دین نیز می باشد (تحف العقول صفحه ۵۰))" دین اسلام یکی از کاملترین و جامع ترین ادیان الهی است که به جایگاه عقل و تفکر در تمام ادیان انسانی اهمیت ویژه داده است و صاحبان عقل را سعادتمندان دنیا و آخرت دانسته است. امام صادق علیه السلام می فرماید : "عقل چیزی است که بوسیله آن می توان خیر را از شر تمیز داد ."

- عقل و هدایت الهی

هدایت به معنای عام آن یعنی نشان دادن راه و مسیر جهت نائل آمدن به هدف است. بی شک با توجه به هدفمندی زندگی بشر ، خداوند بزرگ هر آنچه را که خلق کرده است نعمت هدایت را نیز به آن اعطا نموده است. " قال ربنا الذی اعطی کل شیء خلقه ثم هدی) یعنی پروردگار ما آن خدایی است که به هر چیز که از نعمت خلقت بهره مندش فرمود ، نعمت هدایت نیز بر او ارزانی داشت.(آیه ۵۰ سوره طه)". بدیهی است که خداوند متعال هدایت خویش را بطور مستقیم اعمال نمی نماید و هر جا لازم است خود انسان نیز با کمک عقل و تفکر خویش در همه امور در راستای تربیت صحیح کوشش می نماید تا بتواند به قرب الهی دست یابد.

- ایمان و عقل

برای رسیدن به در جات بالای ایمانی داشتن قوه عقل امری ضروری است . " الایمان معرفه بالقلب ، و اقرار باللسان و عمل بالارکان (ایمان معرفتی عقلانی، اعتراف به زبان و عمل به ارکان است (نهج البلاغه ص ۱۱۷۶، ترجمه آقای فیض الاسلام))" بنا براین هرگاه از طریق عقل به معرفت واقعی می رسیم و انوار ایمان در وجود انسان تلالو می گردد ، شاهد صعود به قله های معنویت و انسانیت هستیم .

- پرستش و عقل

هدف اساسی تربیتی مکتب اسلام ، پرستش خدای یگانه است. اینکه انسان در مسیر رضایت الهی حرکت نماید و در مقابل معبود خویش سر طاعت خم نماید در گرو به کار انداختن قوه عقل و اداراک است. انسان عاقل هیچگاه ایمانش بواسطه هجوم گمان و ظن های مختلف دچار تزلزل نمی شود.

- احکام اسلامی و عقل

همان طور که می دانیم یکی از راه های رسیدن به احکام الهی اجماع است ، در مواردی که بر سر حکمی از احکام الهی اختلاف نظر هست یا احکامی که در شریعت اسلام در مورد آن اظهار نظر نشده است از قاعده اجماع استفاده می شود . علاوه بر اجماع خود عقل نیز یکی از راههای تبیین احکام اسلامی می باشد تا بهترین روش و دستورات دینی در جهت اجرا یا تقلید و پیروی از

شریعت اسلام حاصل بشود. بنابراین رابطه عقل و احکام اسلامی یک رابطه دو سویه است که از مجموع هردوی آنها بهتر و سریعتر می توانیم به هدف نهایی دست بیابیم.

نکته قابل توجه در مورد عقل این موضوع می باشد که با توجه به مطالب مطرح شده در مورد نیاز اساسی به استفاده از قوه عقل در مورد تعلیم و تربیت اسلامی، عقل بشر دارای محدودیت های زیادی است و در خیلی از مواقع نیز دچار خطا و اشتباه می شود. بنابراین نمی توانیم بگوییم که آنچه عقل حکم می کند از مسلمات است. عقل می تواند چیزهایی را بشناسد ولی از شناخت خیلی چیزها نیز عاجز و ناتوان است و اگر چه راهنمای بشر و چراغ هدایت انسانها است، ولی از جهات متعدد نارسا و کوتاه است. البته این فهم با آنچه تا کنون گفته ایم دارای تناقض نمی باشد باید گفت در تعلیمات اسلامی می بایست، به برخی از نکات در مورد عقل ورزی نیز اهتمام داشت:

الف) عقل حجت لازم است ولی جهت کافی نیست و برای بهره جستن از آن باید سایر شرایط مثل هماهنگی با دستورات وحی شده بر قلب پیامبر اسلام (ص) نیز مدنظر قرار دهیم.

ب) نیروهای درونی در انسان وجود دارد که می تواند، دید عقل را تیره کند مانند شهوات، غضب، دوستی، دشمنی و ... آیت الله جوادی آملی، با عنوان شکوفایی عقل در پرتو وحی به این موضوع پرداخته اند: عقل انسان حق مدار، کم کم در پرتو وحی الهی رشد می کند و تکامل می یابد، آن گاه سایه اشراقی خود را بر حس و تجربه می گستراند و هر جا که پای او از رفتن، باز می ماند، از شجره طوبای وحی مدد می گیرد. وحی در شکوفایی عقل دو وظیفه دارد: ۱- تأیید عقل ۲- شکوفایی آن.

۱) تأیید عقل: این تأیید در حیطه ای است که عقل توان درک آن را دارد، ولی چون عقل، به دلایل مختلفی، خطا و اشتباه می کند (این مورد تجربه کامل عقل است) نیاز به تأیید وحی دارد، به یقین، عقل قطعی و ناب، هرگز خطا و اشتباه ندارد.

۲) راهنمایی و شکوفایی عقل: عقل در حیطه هایی توان نظر دهی مستقل ندارد، وحی عهده دار تبیین همه جزئیاتی است که عقل به جهت محدودیت، از درک آنها ناتوان است. بخشی از این جزئیات، به چگونگی ارتباط انسان با خداوند و اعمال عبادی وحی اختصاص دارد و بخش دیگر، امور مربوط به ارتباط انسان نسبت به خود و موجودات (عالم خارج) مانند: حدود، آداب معاشرت، معاملات، حکومت و ... ناتوانی عقل از ادراک مستقل برخی مطالب، به معنای مخالفت او با آن احکام نیست. زیرا: ۱) مخالفت عقل در حیطه ای که در باره آن نظری ندارد، هرگز معنا ندارد. ۲) ناتوانی عقل از فهم جزئیات احکام شرعی پیش از زمان نظر دهی وحی است. اما پس از ارایه نظر وحی، عقل نه تنها در برابر چنین احکامی مخالفت یا سکوت نمی کند، بلکه آن را تأیید می کند. زیرا احکام جزئی مذکور، حتی در مواردی که عقل از ادراک آنها، عاجز است، چون از مولای حکیم صادر شده، امری صحیح و صائب است.

- جایگاه عقل در عمل به فروع دین

عمل به فروع دین، تعبدی است. مطالب و مسایلی که از منبع وحی القا می شود، دو گونه است: برخی از آنها یک سلسله از دستور العمل هاست (فروع دین) که باید به آنها عمل شود تا نتیجه ای که از آن در نظر است حاصل گردد. در این گونه مسایل، درک و معرفت، تاثیر زیادی ندارد. بدیهی است که اگر در این مسایل، معرفت و عمل همراه گردد نتیجه بهتری بدست آید، به هر حال هدف و منظور در این مسایل، عمل است نه معرفت، البته همین که احکامی را که از فقها در یافت کرده اند، بر زندگی روزمره خود تطبیق کنند چراکه که در مراتب عقل ذکر خواهد شد.

بخش ششم: نقش تعلیم و تربیتی عقل از دیدگاه قرآن کریم

در هر آیه از قرآن که واژه عقل به کار رفته است، به معنای فهم، درک و معرفت به کار برده شده است. همچنین عقل در قرآن با واژه گانی همچون، "تفکر"، "تدبر"، "تفقه" و "تعلیم" به کار رفته است که می تواند از نشانه ها، لوازم و مراتب عقل محسوب گردد. این تعابیر تفاوت ها و معانی ظریفی را به همراه دارد. عقل در قرآن با واژه های مختلفی مانند: نهیه، حجر، قلب و ... مترادف می باشد. عقل رانیه می نامند، زیرا بازدارنده از کارهای ناپسند است. قرآن عقل را حجر می داند، زیرا نگه دارنده محکم و قوی ای برای نفس آدمی است.

نتیجه گیری

به طور کلی می توان گفت ، عقل با تعلیم و تربیت الهی در یک راستا می باشد و با آن به کمال می رسد . آنچه در مقابل عقل ، مانند مانعی قرار می گیرد همان هوی و هوس است که عقل فردی و جمعی را به وجود می آورد، که درحقیقت دیدگاه اشتباهی می باشد و بکار گیری درست نیروی عقل با قدرت تفکر بالا جلوی این اشتباه گرفته می شود . با توجه به همه موارد اشاره شده ، دین مبین اسلام بیش از همه مکتب ها و نظام ها ی فکری، به استفاده از قوه عقل تکیه دارد و به جنبه های مختلف به استفاده از نیروی عقل و تفکر و ورزی اشارات ویژه ای دارد و اهتمام به آن را ، ضامن سعادت دنیوی و اخروی می داند.

منابع و مراجع

- ۱- قرآن کریم.
- ۲- نهج البلاغه.
- ۳- ابن فارس ، احمد بن فارس ، ۱۴۰۴ ق، معجم مقاییس اللغة، مکتب الاعلام اسلامی - قم، چاپ : اول .
- ۴- ابن منظور ، محمد بن مکرم ، ۱۴۱۴ ق، لسان العرب ، دارالفکر للطباعة والنشر و التوزیع - دارصادر- بیروت، چاپ : سوم.
- ۵- دیلمی، حسن بن محمد، ۱۴۱۲ق، ارشادالقلوب الی الصواب(للدیلمی) - الشریف الرضی - قم، چاپ : اول.
- ۶- دهخدا، علی اکبر، ۱۳۷۵، لغت نامه زیر نظر محمد معین و سیدجعفر شهیدی، تهران ، انتشارات دانشگاه تهران.
- ۷- ابن سینا، ۱۳۷۵، الاشارات والتنبیها، چ اول، نشر البلاغه ، قم.
- ۸- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۲ق، مفردات الفاظ القرآن، دارالقلم ، الدار ، الشامیه- بیروت- دمشق، چاپ : اول.
- ۹- کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۳۶۹، اصول کافی، سید جواد مصطفوی، چاپ : اول، تهران: کتاب فروشی علمیه اسلامی.
- ۱۰- قرائتی، محسن، ۱۳۸۳، تفسیر نور، سید جواد مصطفوی، چاپ : ۱۱، تهران: مرکز فرهنگی درسهای از قرآن.
- ۱۱- مفید، محمد بن محمد، ۱۴۱۳ق ، الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، کنگره شیخ مفید ، قم.
- ۱۲- فراهیدی، خلیل بن احمد، ۱۴۰۹ ق، کتاب العین، قم : نشر هجرت.
- ۱۳- شیرازی، قطب الدین، ۱۳۶۹، دره التاج، به اهتمام و تصحیح سید محمد مشکوه، تهران: انتشارات حکمت.